قدرت مطلق باری تعالی و بطلان تعلّق آن به محالات

أبوأُمامه دیوبندی عفا الله عنه

بسم الله الرحمن الرحيم



آیا قدرت الله تعالی مطلق است یا محدود؟

ملحدان از مسلمین سؤال‌های زیادی می پرسند، مانند:

آیا الله تعالی قادر است خدایی قوی تر از خودش خلق کند؟ یا جسمی بسازد که نتواند آن را حمل کند؟ یا خرگوشی خلق کند که از او سریع تر باشد؟ یا انسانی را خارج از قلمرو خودش خلق کند؟ و مانند این‌ها...

مسلمان، چون می‌داند که الله تعالی بر هر چیزی قادر است، در ابتدا به ذهنش می آید که بله، الله می تواند این کارها را انجام دهد. اما اندکی بعد متوجه اشکال این سخن می شود، زیرا چنین تجویزهایی مستلزم نقص در حق باری تعالی است.

و مقصود ملحد از این سؤال‌ها، سرگردان کردن مسلمان و القای این نکته است که اگر بگویی الله تعالی واقعاً بر همه چیز قادر است، پس تناقض جایز می‌شود و در نتیجه دین اسلام غیر عقلانی خواهد بود. و این موضوع می‌تواند ایمان مردم ساده دل را نسبت به اسلام متزلزل کند.

جواب صحیح چیست؟

لازم است برای فرد عامی توضیح داده شود که این گونه سؤال‌ها از اساس غلط‌اند.

برخی سؤال‌ها دربردارندۀ خبری دروغین اند و در نتیجه بی معنا هستند.

مثل این سؤال: مادرت چه زمانی تو را به دنیا خواهد آورد؟

این سؤال یاوه است، چون تو به دنیا آمده‌ای و بدیهی است که مادرت دوباره تو را به دنیا نخواهد آورد.

پس هر سؤالی صحیح نیست. باید نخست بررسی کرد که آیا سؤال درست است یا خیر.

حقیقت آن است که این گونه سوالات ملحدین دربردارندۀ تصحیح تناقض است، حال آنکه تناقض محال است. لذا این سؤال‌ها باطل‌اند.

مثال:

سؤال: آیا الله تعالی می تواند انسانی خارج از ملک خود خلق کند؟

این سؤال دربردارندۀ این فرض است که ممکن است چیزی بیرون از ملک الله تعالی باشد.

اما این لازمه‌اش این است که الله تعالی از چیزی ممنوع یا محروم باشد؛ و چنین کسی دیگر الله نخواهد بود.

چرا که حقیقت الله بودن اقتضا می‌کند بر هر چیزی توانا، و بر همه چیز فرمانروا و مالک همه چیز باشد.

اشکال ملحد:

اینجا ملحد می‌گوید: پس شما خودتان پذیرفتید که الله از انجام برخی کارها عاجز است، لذا کمال او باطل است!

این مغالطه است؛ زیرا او عدم انجام امری را عجز می پندارد.

حقیقت مسئله:

قدرت، یعنی توانایی بر فعل.

هر فعل دو طرف دارد: فاعل و مفعول.

ناتوانی بر انجام کاری، گاه به سبب فاعل است (که قدرت ندارد)، و گاه به سبب مفعول است (که اصلاً قابل تحقق نیست).

اگر علت ناتوانی، نقصان فاعل باشد، این عجز است.

اما اگر خود مفعول اصلاً امکان تحقق نداشته باشد، این هیچ ربطی به عجز فاعل ندارد.

و روشن است که بعضی از چیزهایی که ما به عنوان مفعول فرض می‌کنیم، اصلاً مقدور نیستند. مقدور آن است که بتوان موجودش کرد یا معدومش نمود.

چیزی که قرار است ایجاد شود، در آغاز معدوم است سپس موجود می‌شود.

پس باید قابل وجود و قابل عدم باشد. یعنی جایز الوجود باشد.

اما آنچه محال الوجود است، نمی‌تواند مقدور باشد؛ زیرا در این صورت، باید هم ممکن الوجود باشد و هم ممتنع الوجود، و این تناقض است.

اشتباه برخی از مؤمنان:

گاهی برخی مؤمنان هم می پرسند: آیا الله نمی تواند محال را ممکن کند؟

این نیز سؤال باطل است، چون در بردارندهٔ سخنی بی معناست.

اگر مفهومی به خاطر ذاتش محال است، یعنی ذات آن مفهوم اقتضا می‌کند که محال باشد، پس قلب آن محال به ممکن یعنی تغییر ذات همان مفهوم.

مثال:

مربعی با ۳ ضلع. آیا الله می‌تواند مربعی با ۳ ضلع خلق کند؟

جواب: مربع، مربع نیست مگر آنکه ۴ ضلع داشته باشد.

وقتی گفتی مربع سه‌ضلعی، اصلاً سخنت درباره مربع نیست، بلکه سخنی بی معنا گفته‌ای.

پس سؤال در حقیقت چنین است: آیا الله تعالی می‌تواند چیزی بی معنا خلق کند؟

اعتراض محتمل:

ممکن است کسی بگوید: شاید وجود مربعی با سه ضلع ممکن باشد، ولی عقل ما قاصر است از تصور آن...

جواب: لفظ مربع در زبان عربی و فارسی معنای روشنی دارد، یعنی شکلی با ۴ ضلع. پس تا وقتی این معنا ثابت است، مربع سه ضلعی محال است.

فائده:

آنچه ممتنع عقلی نامیده می‌شود، معنایش این نیست که عقل ما آن را نمی فهمد. بلکه معنایش این است که خود مفهوم مفروض محال است.

مثل: مربع سه ضلعی، یا درختی که در همان حال، حرکت باشد.

پس سؤال در اصل چنین می‌شود: آیا الله تعالی می‌تواند لاشیء (هیچ چیز) را خلق کند؟ این لغو و عبث است.

آیا الله تعالی می تواند عدم را ایجاد کند؟ عدم، چون عدم است، نمی تواند موجود باشد؛ وگرنه عدم نبود.

خلاصه بحث:

محال، مقدور الله تعالی نیست.

اما این نه به خاطر عجز الله تعالی است، بلکه به خاطر این است که محال اصلاً -چیز- نیست.

قدرت الله تعالی مطلق است و هیچ حدی ندارد.

اینکه گفته می شود قدرت او به واجب الوجود و ممتنع الوجود تعلق نمی گیرد، به معنای محدود بودن قدرتش نیست؛ چون ممتنع اصلاً چیزی نیست تا قدرت به آن تعلق گیرد.

پس: ممتنع، شأنش این نیست که مقدور الله تعالی باشد.

والله تعالی أعلم

أبوأُمامه دیوبندی عفا الله عنه

۲۳ صفر ۱۴۴۷

